

مطالبات اجتماعی زنان و رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با آنها (مورد مطالعه: زنان شهر قزوین)*

بیدا میرحسینی^۱ حسین آقاجانی^۲ کرم حبیب‌پور گتایی^۳

چکیده

الزامات جامعه کنونی ایران، نیازمند زنانی آگاه، فعال و پرتلاش می‌باشد که با حضور خود در عرصه‌های مختلف بتوانند مطالبه‌گرانی شایسته از حقوق خود باشند و شهروندی همراه با دانایی، تعهد عقلانی، رفتارهای مدنی، مشارکت و احساس تعلق و هویت ملی را کنشگرانه به نمایش گذارند. ضمن اینکه در این بین، عواملی مانند سرمایه اجتماعی و سبک زندگی می‌توانند بر ماهیت و نوع مطالبات اجتماعی زنان تأثیر بگذارند که شناسایی این رابطه اهمیت نظری و کاربردی بسزایی دارد. بنا به این ضرورت، تحقیق حاضر با پیمایش در بین ۳۸۶ نفر از زنان ۲۰ تا ۵۵ ساله شهر قزوین، به بررسی مطالبات اجتماعی آنان براساس سه رویکرد اقتصادی، حقوقی و فرهنگی پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که سطح سرمایه اجتماعی در بین زنان مورد مطالعه، پایین بوده و سبک زندگی غالب در بین آنها مدرن است. در ضمن، مطالبات با رویکرد اقتصادی شایع‌ترین و مطالبات با رویکرد حقوقی کمترین شیوع را در بین زنان داشتند. در عین حال که سرمایه اجتماعی بیش از سبک زندگی، روی مطالبات اجتماعی زنان مؤثر است، این دو متغیر به اتفاق هم توانسته‌اند ۱۴.۵٪ از واریانس مطالبات اجتماعی زنان را تبیین کنند.

واژگان کلیدی: مطالبات اجتماعی، مطالبه‌گری، شهروندی، سبک زندگی، سرمایه اجتماعی

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری خانم بیدا میرحسینی با عنوان «بررسی مطالبات اجتماعی زنان با تکیه بر سرمایه اجتماعی و سبک زندگی آنان»

در گرایش جامعه‌شناسی فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی بوده است.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز/ studentsociology2015@gmail.com

^۲ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی/ a_marsa1333@yahoo.com

^۳ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی/ karamhabibpour@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

مطالبه خواسته‌ای است آگاهانه که از یک نیاز برمی‌خیزد و از سوی افراد جامعه در قبال خود، خانواده و جامعه درخواست می‌گردد. وقتی این مطالبه شکل اجتماعی به خود می‌گیرد و از سوی افراد زیادی، گروه‌های حقیقی، حقوقی و در سطح وسیع، طرح و با یک هویت جمعی آمیخته گردد، می‌توان به آن مطالبه اجتماعی اطلاق نمود. به تعبیر دیگر، مطالبه اجتماعی حق شهروندی است که هر فرد به عنوان عضوی از جامعه انتظار آن را دارد و به عنوان احقاق منزلت اجتماعی‌اش، آن را خواهان است. به بیان کالینز، «زندگی اجتماعی از افرادی تشکیل می‌شود که به دنبال ارضای نیازها و خواسته‌هایشان هستند» (سیدمن، ۱۳۹۵: ۱۲۱). ترنر نیز، انسان‌ها را دارای نیازهای بنیادینی می‌داند که برای برآوردن آنها به تعامل رودرو می‌پردازند. مارشال به عنوان یکی از متقدم‌ترین نظریه‌پرداز شهروندی، بحث منزلت اجتماعی همه شهروندان را از طریق حقوق شهروندی مطرح می‌نماید؛ منزلتی که تمام اعضای جامعه از آن بهره‌مندند و همه آنها از حمایت‌های قانونی، اجتماعی و عرفی برخوردارند. او حقوق شهروندی را از سه بُعد مورد بررسی قرار داده است: «حقوق مدنی و شهروندی مدنی مانند حق برخورداری از آزادی بیان، مالکیت، مذهب، عقیده و...؛ حقوق سیاسی مانند حق برخورداری از رأی، عضویت و مشارکت سیاسی و...؛ حقوق اجتماعی-رفاهی و شهروندی اجتماعی و رفاه مانند حق برخورداری از رفاه و خدمات اجتماعی، اشتغال، آموزش، امنیت، تأمین اجتماعی و مانند آن» (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

ظهور گروه‌های اجتماعی جدید و شکل‌گیری هویت‌های تازه، موجب گشته است که تفسیر و درخواست‌های افراد از دنیای اطراف در قالب‌های متفاوتی شکل گیرد. دنیای نوپدید که عنوان مدرنیته را بر خود نهاده است؛ «نوعی شیوه زیستن و تجربه کردن زندگی به شمار می‌آید که از تحولات صنعتی شدن، شهرنشینی و تفکیک حوزه دینی از غیردینی ناشی شده است. مشخصاتش عبارت است از فروپاشی و اصلاح‌گری، پراکندگی و تحولات سریع، ناماندگاری و ناامنی و همراه است با ادراک‌های تازه‌ای از زمان و مکان، سرعت، تحرک، ارتباطات، سفر، دینامیسم، آشوب و دگرگونی فرهنگی» (چایلدز، ۱۳۸۲: ۲۵). گروه‌های اجتماعی نوپدید در جامعه مدرن که یکی از عمده‌ترین دلیل شکل‌گیری آنها پدیده شهرنشینی می‌باشد، به اعتبار خودها و هویت‌های تازه‌ای که دریافت می‌نمایند، می‌توانند در سنخ‌های متفاوتی تقسیم‌بندی



گردند؛ آنان درباره جهان اجتماعی به نحو دیگری می‌اندیشند، با معیارها و خط‌مشی‌های متفاوتی آن را ارزیابی می‌نمایند، خواست‌ها و آرزوهای دیگری دارند و در مجموع نوع مطالبات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی‌شان متنوع‌تر و گسترده‌تر می‌باشد. «سبک زندگی تجسم‌یافته ترجیحات فرد است و ماهیت طبقاتی دارد که گروه‌های مختلف اجتماعی برای تثبیت هویت، ارزش و موقعیت اجتماعی خود انتخاب می‌کنند» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۵). گیدنز به‌خوبی سبک زندگی را با مفهوم بازاندیشی مورد توجه قرار داده است. در دنیای مدرن، یافته‌های حاصل از نظام‌های انتزاعی مرتباً مورد سازماندهی مجدد قرار می‌گیرد و فرد بطور مداوم شاهد پویایی و تحرک بی‌سابقه می‌باشد و یکی از پیامدهای همین بازاندیشی، شکل‌گرفتن طیف وسیعی از سبک زندگی است. در واقع، گیدنز اشاره به شانس‌ها و فرصت‌ها اشاره می‌نماید که: «حاصل انتخاب سبک زندگی توسط هر فرد چه بصورت اختیاری و چه بصورت اجباری آن است که فرد به یکی از اقشار و گروه‌های اجتماعی یعنی جمع کسانی که دارای سبک‌های زندگی مشابه او هستند، تعلق می‌یابد. بنابراین، انتخاب سبک‌های زندگی مقدمه‌ای بر گروه‌بندی‌های اجتماعی متفاوت است» (حمیدی و فرجی، ۱۳۸۷: ۶۸). سرمایه اجتماعی نیز عامل مهم و تأثیرگذاری بر میزان دسترسی به مطالبات اجتماعی می‌تواند باشد، به این دلیل که سرمایه اجتماعی منبعی بسیار ارزشمند جهت کنش اجتماعی بوده و در تسهیل ارتباطات اجتماعی نقشی اساسی ایفا می‌نماید و آن را می‌توان نوعی کالای عمومی به شمار آورد (Colman, 1988: 104)، چراکه به گروه و نهاد خاصی از جامعه تعلق ندارد و درعین حال نهادهای مختلف اجتماعی مانند دولت، شرکت‌ها، گروه‌های غیردولتی و شهروندان از منافع آن بهره‌مند می‌شوند و هر کس به میزانی از آن برخوردار می‌باشد. «سرمایه اجتماعی هستی واحدی نیست، بلکه از هستی‌های متعدد تشکیل شده که دو ویژگی مشترک دارند: اولاً جنبه‌ای از ساختار اجتماعی را تشکیل می‌دهند و ثانیاً کنش‌های معینی را برای افراد در درون ساختار اجتماعی تسهیل می‌کنند» (کلمن^۱، ۱۹۹۰: ۳۰۲). از دید بوردیو، «سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه‌ی بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر عضویت در یک گروه می‌باشد» (فیلد^۲، ۲۰۰۳: ۱۵). پاکسون^۳ (۲۰۰۲: ۲۵۶) نیز

^۱. Colman

^۲. Fild

^۳. Paxton

سرمایه اجتماعی را شامل دو بُعد می‌داند: «روابط عینی میان افراد و پیوندهای ذهنی بین همان افراد از سوی دیگر».

کم‌توجهی به خواسته‌های زنان به دلایل گوناگون و نیز نگاهی به آمارهای مختلف در زمینه رفاه اجتماعی، میزان حضور در لایه‌های مختلف مدیریتی، تسهیلات، ابزار و کانال‌های حضور در عرصه اجتماع... همه و همه بیانگر لزوم پرداختن به موضوع زنان و بویژه پرداختن به این مطالبات و شناخت انواع و طبقه‌بندی آنها، بررسی انواع سبک زندگی که نمایانگر اولویت‌ها می‌باشد و درعین حال تلاش در جهت بررسی انواع شبکه‌های ارتباطی، میزان اعتماد و مشارکت اجتماعی که در کل در سرمایه اجتماعی جمع می‌گردد، از اهمیت بسیاری برخوردار است تا این امکان را فراهم آورد که برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های کلان کشوری در حیطه زنان، براساس داده‌های واقعی و فعالیت‌های پژوهشی صورت پذیرد. به هر میزان که اطلاعات در این زمینه افزایش یابد، ترسیم و تحلیل مناسبات بین افراد در جامعه و خانواده‌ها، از دقت نظر بیشتری برخوردار می‌باشد و به تحلیل‌گران اجتماعی فرصت بررسی‌های دقیق و علمی‌تر را می‌دهد. بنابر تمامی مطالبی که بیان گردید، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤالات بود که: (۱) دسترسی زنان مورد مطالعه به مطالبات اجتماعی با سه رویکرد اقتصادی، حقوقی و فرهنگی به چه میزانی می‌باشد و سرمایه اجتماعی و سبک زندگی زنان چه ارتباطی با این مطالبات دارند؟

پیشینه تجربی

اگرچه در منابع داخلی و خارجی مطالعه‌ای که بطور خاص به موضوع تحقیق حاضر پرداخته باشد، یافت نشد و از این حیث مطالعه حاضر جزو اولین مطالعاتی است که به بررسی مطالبات اجتماعی زنان بویژه از منظر رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با آنها پرداخته است، اما پژوهش‌هایی وجود دارند که به بررسی یکی از سه مفاهیم اصلی این تحقیق (مطالبات اجتماعی، سرمایه اجتماعی و سبک زندگی زنان) پرداخته‌اند و مورد استفاده نظری و روشی این تحقیق قرار گرفته‌اند. برای مثال، علیزاده و دلگشا (۱۳۹۵) به «بررسی مطالبات اجتماعی زنان در جراید عصر مشروطه» با تأکید بر روزنامه ایران نو در سال ۱۲۸۸ شمسی پرداختند و ایجاد مدارس برای دختران و تلاش برای فراهم کردن زمینه‌های سوادآموزی دختران، از اصلی‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌های آنان بوده است. متقی و روشنایی (۱۳۹۰) در پژوهش «نقش دولت در توسعه و تحدید گفتمان‌های مطالبات مدنی معاصر زنان ایران» بیان نمودند که مطالبات مدنی



زنان موضوع پیچیده و تاریخی است که از سال‌های انقلاب مشروطه به این سو مرتباً مطرح شده و زنان متعددی از قشرهای مختلف در راستای تحقق آن تلاش کرده‌اند. این جریان عمدتاً به عنوان تابعی از گفتمان‌های مسلط و حاکم به حیات خود ادامه داده و گاه البته بصورت گفتمانی پیرامونی تحت فشارهای مختلف قرار گرفته است. در این دوره بیش از صد ساله حکومت‌ها تلاش کرده‌اند مطالبات جنبش زنان را به خواسته‌های حکومتی تقلیل داده و یا همسو با حکومت نمایند. اسکندری (۱۳۹۲) به «مطالعه تطبیقی سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی در بین محلات شهر ارسنجان» پرداخت و دریافت که میزان سرمایه اجتماعی در جامعه مورد مطالعه از حد متوسط پایین‌تر است و همبستگی ضعیفی میان سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی وجود دارد.

نصری (۱۳۹۴) با «مطالعه و بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر روی امنیت در مناطق مرزی استان کردستان» دریافت که هرچه میزان سرمایه اجتماعی در جامعه بیشتر باشد، به همان میزان احساس امنیت اجتماعی بیشتر خواهد بود و شاخص اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط اجتماعی و آگاهی اجتماعی بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت اجتماعی دارند. رضایی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش «سبک زندگی و مدیریت بدن جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر مرند» دریافتند که مدیریت بدن در بین جوانان از اهمیت بسیاری برخوردار است و بین سبک زندگی (سبک فراغت، مصرف فرهنگی و سبک تغذیه) با مدیریت بدن جوانان رابطه مثبتی وجود دارد. این رابطه بین سبک زندگی مذهبی و مدیریت بدن معکوس است. مدیریت بدن جوانان برحسب پایگاه اقتصادی-اجتماعی آنان متفاوت است و این تفاوت برحسب سن معنادار نیست. در مجموع، متغیرهای سبک فراغت، مصرف فرهنگی و سبک تغذیه توانسته‌اند ۴۱.۳٪ از تغییرات مدیریت بدن جوانان را تبیین کنند.

رُز^۱ (۲۰۰۰) با پیمایشی در کشور روسیه تحت عنوان «به چه میزان سرمایه اجتماعی به سلامت فردی می‌افزاید» دریافت که مشارکت افراد در شبکه‌های رسمی و غیررسمی و برخورداری از حمایت اجتماعی و اعتماد با سلامت عاطفی و روانی آنها رابطه دارد. کریستسون^۲ و همکارانش (۱۹۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی فاکتورهای ریسک در ابتلا به بیماری‌های عروقی قلب

1. Rose

2. Kristenson

در میان گروه‌های اجتماعی اقتصادی مختلف لیتوانی و سوئد» که در میان نمونه‌های تصادفی متشکل از ۱۵۰ مرد ۵۰ ساله از دو شهر در دو کشور سوئد و لیتوانی، انجام دادند، دریافتند که عوامل خطرزای متعارف همچون سیگارکشیدن، کلسترول خون و فشار خون نتوانستند تفاوت میزان خطر در دو کشور را توجیه نمایند، اما عوامل روانی اجتماعی دقیقاً از الگوی پیش‌بینی شده پیروی می‌کردند. مردان ساکن شهر ویلنیوس، انزوای اجتماعی بیشتر، خستگی بیشتر و افسردگی بیشتری را نسبت به مردان ساکن شهر لینگوپینگ در لیتوانی نشان دادند و گروه‌های کم‌درآمد هر دو شهر در مقایسه با گروه‌های پُر‌درآمد، سطح انزوای بالا، خستگی و مشکلات بیشتری در سازگاری نشان دادند. مک‌کنزی و هارفام^۱ (۲۰۰۶) در کتاب «سرمایه اجتماعی و سلامت روان» (سال ۲۰۰۶)، علاوه بر محاسبه نحوه سنجش سرمایه اجتماعی در زمینه سلامت روان و ارائه مدل‌ها و چارچوب‌های مختلف در مورد نحوه اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، پژوهش‌های بین‌المللی در این خصوص را مورد بررسی قرار داده‌اند که در واقع همه آنها اشاره به ارتباط این دو متغیر با هم داشته‌اند.

چارچوب نظری

در این پژوهش، بجای رفتن بدنبال تحلیل‌های تک‌خطی، تلاش گردیده از شبکه‌ای از عوامل بهره گرفته شود و به بیان بوردیو^۲، «باید تفکر خطی را که فقط ساختارهای رتبه‌ای ساده علیت مستقیم را می‌شناسد، کنار بگذاریم و همت و جسارت بازسازی شبکه‌های روابط درهم‌بافته‌ای را داشته باشیم که در هر یک از عوامل حضور دارند» (بوردیو، ۱۳۹۵: ۱۵۹) و باز هم به قول نامبرده اگرچه شاید برخی روابط مشخص باشند، اما باید برداشت‌های عقل سلیمی را در بوته تحلیل دقیق آزمایش کنیم و ارتباط شبکه‌های عوامل را بررسی نماییم. پژوهش حاضر از متغیر وابسته مطالبات اجتماعی و دو متغیر مستقل سبک زندگی و سرمایه اجتماعی تشکیل شده است که درخصوص هر کدام و تعیین زیرمجموعه آنها، از نظریه‌های مختلفی بهره گرفته شده است. بطوریکه در رابطه با مطالبات اجتماعی زنان، گفتنی است که به هرگونه درخواستی که از سوی زنان جامعه مورد نظر به عنوان حقی که آنان از دولت و جامعه به عنوان یک شهروند و رای طبقه، قومیت و زبان آن را از ضروریات زندگی و به عنوان نیاز خود مطرح نموده‌اند و به عنوان

^۱. Kristenson

^۲. Harpham & Mckenzie



دغدغه‌های اصلی که زمینه‌های مشکلاتی برای آنان و یا دیگر زنان آن جامعه ایجاد شده است، به عنوان مطالبه اجتماعی نگریسته شده است. مطالبات اجتماعی نیز با تأسی به دیدگاه نظری مارشال و نیز ترنر مفهوم‌سازی شده است. مارشال شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی دانسته و معتقد است شهروندی نوعی منزلت اجتماعی است که جامعه آن را به تمامی اعضا اعطا نموده و به موجب آن تمامی افراد از جایگاه، حقوق و وظایف برابر که توسط قانون حمایت و تثبیت شده برخوردارند. به عقیده او، «حق شهروندی نوعی پایگاه است که دست‌یافتن به آن به فرد و یا گروه امکان برخورداری از حقوق اجتماعی و قدرت را می‌دهد» (ملک، ۱۳۸۸: ۱۰۸). ترنر در زمینه نیازها، که ریشه و اساس مطالبات می‌باشند، عنوان می‌کند که انسان‌ها دارای نیازهای بنیادینی هستند که برای برآوردن آنها به تعامل روردر می‌پردازند. این نیازها شامل نیاز به تأیید، نیاز به پاداش‌های مفید مبادله‌ای، نیاز به عضویت، نیاز به اعتماد و نیاز به واقع‌بودگی می‌باشند. بنابراین، جهت کسب عاطفه مثبت و دوری از اضطراب، به دنبال رفع نیازهای خود می‌باشند و وارد جریان تعامل می‌گردند. در واقع، انتظارات افراد بخشی از تعریف افراد از موقعیت‌هاست. انتظارات از منابع مختلفی همچون هنجارها، ارزش‌ها، اقتدار یا پایگاه نسبی افراد، تراکم وابستگی‌های شبکه‌ای در بین افراد و... نشأت می‌گیرند. فرضیه اصلی این پژوهش نیز با استفاده از نظر ترنر، کالینزو و بوردیو تنظیم گردیده است. کالینز در نظریه تضاد خود بیان می‌دارد که «زندگی اجتماعی از افرادی تشکیل می‌شود که به دنبال ارضای نیازها و خواسته‌هایشان هستند، آنان هرگونه منابع مادی و فرهنگی را که در دسترس دارند، برای تأمین اهدافشان بکار می‌گیرند. علاوه بر این، افراد منافع شخصی‌شان را در رویارویی‌های اجتماعی دنبال می‌کنند که در آنها منابع به شکلی نابرابر توزیع شده‌اند» (سیدمن، ۱۳۹۵: ۱۲۱). بوردیو نیز در این خصوص بیان می‌دارد که شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در درون فضای اجتماعی به شکل‌گیری انواع پیوندها و در نتیجه فرصت‌های شکل‌گیری انواع سرمایه منجر می‌گردد. میزان و نوع سرمایه در افراد متفاوت می‌باشد و بنابر این به مقدار نوع و میزان آنها در افراد مختلف، کنشگران اجتماعی در پایگاه‌های مختلف اجتماعی قرار گرفته و در نتیجه سبک‌های مختلف زندگی نیز در دامنه‌ای از انتخاب‌ها عیان می‌گردد و این خود بازتولیدکننده قشربندی اجتماعی و نابرابری‌های اجتماعی از طریق آموزه‌های فرهنگ مسلط می‌باشد.

اما در رابطه با دو متغیر مستقل تحقیق (سرمایه اجتماعی و سبک زندگی) و ارتباط آنها با مطالبات اجتماعی زنان، ابتدا بایستی گفت که در رابطه با مفهوم سرمایه اجتماعی، به نظریه‌های پاتنام و بوردیو توسل شده است. از دید پاتنام، سرمایه اجتماعی، «آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند» (پاتنام^۱، ۱۹۹۲: ۶۰). او اعتماد را یکی از مؤلفه‌های اصلی تقویت همکاری بین انسان‌ها متصور می‌شود که کمک می‌کند رفتارها قابلیت پیش‌بینی بیشتری داشته باشند و روابط شفاف‌تر گردند، اگرچه او بیان می‌کند که: «در جوامع بزرگ‌تر اعتماد جنبه غیرشخصی داشته و به عبارت دیگر از شکل مستقیم به شکل غیرمستقیم تغییر یافته و اعتماد به نهادهای مدنی برای تسهیل روابط به عنوان یک ضرورت محسوب می‌شود» (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۹۲). به قول پاتنام، «منظور من از سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند» (پاتنام، ۱۹۹۶: ۵۶). در واقع، پاتنام سه عنصر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد را به عنوان عناصر اساسی سرمایه اجتماعی عنوان می‌کند. از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی سازوکاری است که از طریق روابط اجتماعی و پیوستگی اجتماعی امکان دسترسی به منابع را موجب می‌شود. «سرمایه‌ای از روابط اجتماعی که در صورت نیاز، حمایت‌های سودمندی فراهم می‌کند. یعنی سرمایه شرافت و حرمت که غالباً اگر فرد بخواهد در موقعیت‌های مهم اجتماعی مراجعین را جذب کند، کاملاً ضروری بوده و ممکن است بصورت نوعی پول رایج ارائه شود از جمله در یک حرفه سیاسی» (بوردیو^۲، ۱۹۷۷: ۵۰۳).

از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی به عنوان «شبکه‌ای از روابط، ودیعه‌ای طبیعی یا اجتماعی نیست بلکه در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد. به تعبیر او، سرمایه اجتماعی محصول نوعی سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت یا بازتولید آنگونه روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه‌مدت یا بلندمدت قابل استفاده هستند» (شارع‌پور، ۱۳۸۴: ۱۱). در واقع، از طریق شبکه اتصالاتی که از طریق سرمایه اجتماعی فراهم می‌گردد و

1. Putnam

2. Bourdieu



نیز چگالی و دوام این شبکه‌ها، روابط اجتماعی بازتولید می‌گردند و فرصت‌هایی را برای افراد فراهم می‌نماید که حتی ممکن است موجب به کسب اعتماد یک گروه دیگر گردد و در کسب موقعیت‌ها و جایگاه‌های مهم اجتماعی مثرثمر باشد. در این تحقیق، با استفاده از دیدگاه هر دو نظریه پرداز، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی به عنوان مولفه‌های سرمایه اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در رابطه با ارتباط سبک زندگی با مطالبات اجتماعی زنان نیز، از دیدگاه بورديو و گیدنز بهره گرفته شده است. بورديو سبک زندگی را «فعالیتی نظام‌مند می‌داند که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شود و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارد و در عین حال بصورت نمادین به فرد هویت می‌بخشد و میان اقشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کند» (نیازی و نصرآبادی، ۱۳۸۶: ۴۵) و در واقع با توجه به نظر بورديو می‌توان بیان نمود که سبک زندگی شامل اعمال طبقه‌بندی شده و کاملاً قابل تمایزی می‌باشد که می‌توان به نوع پوشش، شیوه‌های معاشرت، نحوه گذران اوقات فراغت، دینداری و دیگر مواردی که به نحوی متمایزکننده افراد در فضای اجتماعی می‌باشند و نشان‌دهنده ترجیحات آنانند، اطلاق نمود. به نظر او، سبک زندگی همان فضایی است که کنشگران در ذیل آن می‌آموزند چگونه زندگی کنند و چه چیز را در لیست انتخاب‌ها و ترجیحات خود قرار دهند. او در بررسی سبک زندگی به مفهوم تمایز می‌پردازد و آن را به معنی مجموعه‌ای متفاوت از رفتارها و سبک‌های زندگی افراد جامعه اطلاق می‌نماید که بدلیل موقعیت‌های متفاوت در برخورداری از انواع سرمایه و قرارگرفتن در میدان‌های اجتماعی بروز می‌کند. «سبک زندگی مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین برخوردار از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود، از نظر تداوم امنیت وجودی - پیوند بین گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کم‌وبیش منظم را تأمین می‌کند» (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۱) و با استفاده از نظر هر دو نظریه‌پرداز مقوله‌های مدیریت بدن، دینداری، ترجیحات اوقات فراغت و مصرف، باورهای سنتی و باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌اند.

خلاصه اینکه، با استفاده از نظریه‌های موردالاشاره و تلفیق آنها، ۵ گزاره زیر درخصوص مطالبات اجتماعی زنان و ارتباط سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با آنها قابل احصاست:

۱- انسان‌ها دارای مطالبات اجتماعی خاص خود می‌باشند.

۲- افراد در تعاملات رودرو جهت رفع مطالبات اجتماعی وارد فضای اجتماعی می‌گردند.

۳- در فضای اجتماعی، با توجه به شکل‌گیری انواع پیوندها و انواع سرمایه‌ها (سرمایه اجتماعی در این پژوهش)، افراد در پایگاه‌های مختلف قرار می‌گیرند و در نتیجه سبک‌های مختلف زندگی عیان می‌گردد.

۴- شکل‌گیری نوع و میزان سرمایه اجتماعی و نوع سبک زندگی، بازتولیدکننده نابرابری‌های اجتماعی و میزان بهره‌مندی از مطالبات اجتماعی است.

۵- میزان بهره‌مندی از مطالبات اجتماعی، به نوع پیوندها و تعاملات (سرمایه اجتماعی) و سبک زندگی ارتباط دارد.

روش‌شناسی

ماهیت و روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش مبتنی بر روش پیمایش، به لحاظ زمانی از نوع مقطعی و به لحاظ معیار ژرفایی از نوع پهنانگر بود. واحد تحلیل فرد و سطح تحلیل نیز خرد بود. ابزار مورد استفاده، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که از سه قسمت تشکیل شده و شامل گویه‌های مربوط به میزان دسترسی به مطالبات اجتماعی زنان با سه رویکرد فرهنگی، اجتماعی و حقوقی، و سؤالات مرتبط با سرمایه اجتماعی و نیز سؤالات سبک زندگی بوده است.

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان ۲۰ تا ۵۵ ساله ساکن شهر قزوین از استان قزوین بودند که تعداد کل آنها براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۱۳۲۴۷ نفر بوده است. جهت محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که حجم آن برابر با ۳۸۲ نفر برآورد گردید که به منظور دقت در یافته‌ها و در نتیجه امکان تحلیل با خطای کمتر و در بین جمعیت‌های فرعی، این حجم به ۴۰۰ نفر افزایش یافت که در نهایت پس از حذف موارد مخدوش، ۳۸۶ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفتند.

درخصوص نحوه انتخاب زنان حجم نمونه نیز، با توجه به اینکه در این پژوهش نیاز به جمع‌آوری نظرات اقشار مختلف زنان بود، از مناطق بالای شهر، متوسط و پایین، مناطقی که کاملاً ویژگی‌های شاخص را داشته باشند انتخاب گردید و سپس از هر منطقه یک حوزه و از هر حوزه ۴ بلوک انتخاب گردیدند. انتخاب کلیه موارد براساس داشتن بیشترین ویژگی‌های مورد نظر بوده



است و نحوه انتخاب نمونه‌ها به این صورت بوده است که پس از انتخاب بلوک مورد نظر، از ابتدای بلوک شروع کرده و تمامی منازل که دارای زنان ۲۰ تا ۵۵ ساله بوده است به عنوان پاسخگو انتخاب شدند و این فرایند تا زمانی که تعداد مورد نیاز آن بلوک تأمین شود، ادامه داشته است. برای مثال، در منطقه ۴، که از مناطق پایین شهر می‌باشد، حوزه ۰۶۵ به دلیل داشتن بیشترین ویژگی منطقه انتخاب گردید و سپس ۴ بلوک بصورت تصادفی انتخاب و با توجه به نسبت محاسبه شده در ۴ بلوک، ۵۵ نفر از زنان ۲۰ تا ۵۵ ساله بصورت تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند و با آنها پیمایش به عمل آمد.

سنجها

مطالبات اجتماعی: در این پژوهش، با بهره‌برداری از مفهوم حقوق شهروندی جامعه‌شناس انگلیسی تی. اچ. مارشال استفاده شده است. مارشال سه حق را برای کلیه شهروندان به عنوان عضویت در جامعه مطرح می‌نماید: «حقوق مدنی در جهت تحقق آزادی‌های فردی ضروری که عبارت است از عناصری چون آزادی بیان، حق مالکیت و حق برخورداری از عدالت؛ حقوق سیاسی شامل حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی، بویژه حق برخورداری از انتخابات آزاد و رأی مخفی؛ و نهایتاً حقوق اجتماعی به عنوان حق برخورداری از حداقل رفاه اقتصادی و امنیت، حق سهام‌شدن کامل در میراث اجتماعی و همچنین حق زیستن به مانند یک موجود متمدن» (مارشال^۱، ۱۹۵۰: ۹). از حیث عملیاتی نیز، براساس این سه حق به مفهوم مطالبه اجتماعی و سپس میزان دسترسی به آن با دسته‌بندی در سه رویکرد فرهنگی، اقتصادی و حقوقی پرداخته شده است. در واقع، در این تحقیق، مطالبه اجتماعی همان حق شهروندی است که هر فرد به عنوان عضوی از جامعه انتظار و به عنوان احقاق منزلت اجتماعی‌اش آن را خواهان است و در این پژوهش میزان دسترسی به آن مورد سنجش قرار گرفته است؛ یعنی میزان برخورداری و امکان بهره‌مندی از آنها.

۱- منظور از رویکرد فرهنگی، مواردی می‌باشند که زنان به عنوان یک شهروند در فضای عمومی از جنبه فرهنگی نیازمند به برخورداری عادلانه از این مصادیق می‌باشند. این فضای عمومی می‌تواند رسانه‌ها و یا مکان‌های عمومی و یا پایگاه‌های اجتماعی مهم رسمی و غیررسمی و یا

^۱. Marshal

موقعیت‌های آموزشی و یا حتی کلیشه‌های فرهنگی مسلطی که نیاز به اصلاح و بازنگری دارند، را شامل گردند. همچون نگاه به زنان در فعالیت در اجتماع، نگاه به زنان در متون آموزشی، تصویر ارائه شده از زن در رسانه‌های رسمی و غیررسمی و برخورداری از حضور در فضاهای عمومی، آموزش‌های تخصصی ویژه زنان و....

۲- منظور از مطالبات اجتماعی زنان با رویکرد اقتصادی مواردی می‌باشند که به هر نحو با معیشت و جنبه‌های رفاهی زنان در ارتباط می‌باشند و به عنوان حقوق اولیه هر شهروند باید مورد توجه قرار گیرند و از مصادیق عینی آن می‌توان به برخورداری از مسکن، تغذیه، پوشاک و... مناسب و در حد عرف و معمول جامعه و در شأن یک انسان، برخورداری از تسهیلات گذران اوقات فراغت، پوشش‌های مناسب بیمه‌ای، دستمزد برابر با مردان در مقابل کار مساوی، افزایش زمینه‌های واقعی اشتغال دختران و زنان نیازمند شغل، ایجاد سازوکارهای حمایتی اقتصادی و رفاهی جهت مادرائی که حضانت فرزندان را دارند، افزایش و یا ایجاد زمینه‌های حمایتی از دختران و زنان آسیب‌پذیر.

۳- منظور از مطالبات اجتماعی زنان با رویکرد حقوقی مواردی می‌باشد که در قوانین مدون رسمی و یا نهادهای سیاسی و حکومتی رایج و مسلط می‌باشد و از مصادیق عینی آن می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: سهم‌بودن در دارایی خانواده بصورت قانونی و ثبت شده، دسترسی به اخبار و اطلاعات بدون طبقه‌بندی و بدور از هرگونه سانسور، استفاده از پوشش دلخواه (پوشش‌هایی که غیرشرعی نیستند) و....

سرمایه اجتماعی: شامل آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای موثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند (پاتنام، ۱۹۹۶: ۵۶) و به نظر بوردیو نیز سرمایه اجتماعی سازوکاری است که از طریق روابط اجتماعی و پیوستگی اجتماعی امکان دسترسی به منابع را موجب می‌شود. در این پژوهش، دیدگاه پاتنام و بوردیو جهت مفهوم‌سازی و عملیاتی‌سازی سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است و جهت سنجش آن از سه مؤلفه اعتماد اجتماعی (اعتماد بین‌فردی شامل اعتماد به اعضای خانواده، دوستان، آشنایان، همسایه‌ها، همکاران؛ اعتماد عمومی شامل اعتماد مردم به همدیگر و اعتماد نهادی شامل اعتماد مردم به دولت و نهادهای دولتی) و انسجام اجتماعی و نیز مشارکت اجتماعی (رسمی و غیررسمی) استفاده گردیده است.



سبک زندگی: بورديو «سبک زندگی را فعالیتی نظام‌مند می‌داند که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند و درعین حال بصورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و میان اقشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کنند» (نیازی و نصرآبادی، ۱۳۸۶: ۴۵). گیدنز نیز به نوعی وحدت رویه و هماهنگی در فعالیت‌ها و رفتار می‌پردازد که منتهی به امکان ایجاد تمایز بین افراد می‌گردد. «سبک زندگی مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابر این برخوردار از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود از نظر تداوم امنیت وجودی، پیوند بین گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کم و بیش منظم را تأمین می‌کند» (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۱). نکته شایان ذکر اینکه در این تحقیق سعی گردید از شاخص‌هایی جهت سنجش سبک زندگی استفاده شود که ارتباط کمتری با توان مالی زنان دارند و بتواند ترجیحات آنان را بهتر نمایش دهد و بنابراین ترجیحات اوقات فراغت، مدیریت بدن، دینداری (بعد اعتقادی و مناسکی)، باورهای سنتی، باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت به عنوان مؤلفه‌های آن در نظر گرفته شده است.

اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری

در این تحقیق، به منظور برآورد اعتبار پرسشنامه اولیه که حاصل استفاده از دیدگاه‌های نظری و کارهای پژوهشی دیگر محققان بوده است، از روش اعتبار محتوا (از نوع اعتبار صوری) و استفاده از نظر ۹ نفر از اساتید و کارشناسان مرتبط با موضوع استفاده شد. برای برآورد پایایی پرسشنامه، پرسشنامه اولیه در بین حدود ۱۵ نفر از زنان تکمیل شد تا نواقص احتمالی پرسشنامه که می‌توانست از نامفهوم بودن سؤالات، ترتیب نامناسب سؤالات و طولانی بودن پرسشنامه و... باشد، مرتفع گردد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، بانک اطلاعاتی تشکیل و پایایی مقیاس‌ها از طریق محاسبه آلفای کرونباخ اندازه‌گیری و برآورد شد. نتیجه ضریب آلفا برای مقیاس‌های مختلف بالاتر از ۰.۷۰ بود که نشان از همبستگی درونی مطلوب بین متغیرها برای سنجش مفاهیم، و در نتیجه قابلیت اعتماد و پایایی بالای مقیاس‌ها دارد.

یافته‌ها

بافت نمونه آماری

از نظر جمعیتی، ۳۳.۲٪ از نمونه تحقیق در گروه سنی ۳۰-۴۰ سال و ۲۶.۹٪ در گروه سنی ۳۰ سال قرار داشتند ($M=38.04$, $SD=10.46$). ۶۱.۷٪ آنها متأهل و ۷۱.۸٪ از قومیت

فارس بودند. ۴۲٪ آنها در منطقه متوسط شهری از حیث اقتصادی و اجتماعی سکونت داشتند. ۳۴.۵٪ آنها دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۳۳.۴٪ فوق دیپلم و کارشناسی بودند. همچنین، ۳۸.۳٪ آنها کارمند و دارای مشاغل فرهنگی و ۳۲.۹٪ خانه‌دار بودند.

وضعیت مطالبات اجتماعی زنان

نتایج مرتبط با مطالبات اجتماعی زنان براساس سه رویکرد فرهنگی، اقتصادی و حقوقی دلالت بر یافته‌های زیر داشت (جدول ۱):

- در مورد مطالبات اجتماعی با رویکرد فرهنگی، که شامل حذف و یا اصلاح نقش‌های کلیشه‌ای در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی، پذیرش توانمندی‌های زنان در عرصه‌های مختلف، افزایش میزان اطلاعات دختران و زنان درخصوص مسائل مرتبط با حفظ کیان خانواده، برخورداری عادلانه در حضور و پیشرفت در عرصه‌های فرهنگی بود، نتایج نشان داد که ۱۶.۳٪ از زنان فاقد دسترسی به مطالبات فرهنگی بودند. همچنین، ۳۵٪ آنها دسترسی کم، ۳۲.۴٪ دسترسی متوسط و ۱۶.۳٪ دسترسی بالایی به مطالبات فرهنگی داشتند.

- پیرامون مطالبات اجتماعی با رویکرد اقتصادی که شامل مصادیقی مانند برخورداری از توان مالی و امکانات مناسب جهت انجام امور درمانی و بهداشتی، دریافت پاداش‌ها و پاسخ‌های متعادل با کار، برخورداری از امکان اشتغال متناسب با نیاز، برخورداری از مسکن مناسب و ایمن بود، نتایج حاکی از این بود که ۱۸.۹٪ از زنان اصلاً به این مطالبات اقتصادی دسترسی ندارند. میزان دسترسی ۳۱.۱٪ آنها به مطالبات اقتصادی کم، دسترسی ۲۴.۴٪ متوسط و دسترسی ۲۵.۶٪ زیاد است.

- در ارتباط با مطالبات اجتماعی با رویکرد حقوقی که مواردی مانند دسترسی به اخبار و اطلاعات بدون هرگونه سانسور بویژه در موضوعات مرتبط با زنان، استفاده از پوشش دلخواه با رعایت حدود شرعی در اماکن رسمی، سهم‌بودن بصورت قانونی در دارایی خانواده و همسر بصورت قانونی و باز نشر موضوعات حقوقی مرتبط با زنان جهت ارتقای آگاهی آنان از جمله مصادیق آن بودند، نتایج نشان داد که ۲۴.۱٪ از زنان مورد مطالعه فاقد دسترسی به مطالبات حقوقی‌اند. ۳۹.۶٪ به میزان کم، ۲۵.۹٪ به میزان متوسط و ۱۰.۴٪ به میزان بالایی به مطالبات حقوقی دسترسی دارند.



جدول ۱- وضعیت مطالبات اجتماعی زنان در سه رویکرد فرهنگی، اقتصادی و حقوقی

شرح	میزان برخورداری از مطالبات اجتماعی با رویکرد فرهنگی		میزان برخورداری از مطالبات اجتماعی با رویکرد اقتصادی		میزان برخورداری از مطالبات اجتماعی با رویکرد حقوقی	
	f	%	f	%	f	%
اصلاً	۶۳	۱۶.۳	۷۳	۱۸.۹	۹۳	۲۴.۱
کم	۱۳۵	۳۵	۱۲۰	۳۱.۱	۱۵۳	۳۹.۶
متوسط	۱۲۵	۳۲.۴	۹۴	۲۴.۴	۱۰۰	۲۵.۹
زیاد	۶۳	۱۶.۳	۹۹	۲۵.۶	۴۰	۱۰.۴
جمع	۳۸۶	۱۰۰	۳۸۶	۱۰۰	۳۸۶	۱۰۰

وضعیت سبک زندگی و سرمایه اجتماعی در بین زنان

متغیرهای مستقل این پژوهش سبک زندگی و سرمایه اجتماعی بودند که نتایج مربوط به سنجش وضعیت هر یک در بین زنان مورد مطالعه بدین شرح بود:

- درخصوص سبک زندگی که جهت سنجش آن از ۵ مؤلفه شامل مدیریت بدن، دینداری، باورهای سنتی، باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت و فعالیت‌های فراغتی استفاده شد، نتایج نشان داد که سبک زندگی زنان در سه طبقه سبک زندگی سنتی (۳۸.۱٪)، سبک زندگی مدرن (۴۲.۵٪) و سبک زندگی بینابین و التقاطی (۱۹.۴٪) قابل تقسیم است. نکته قابل تأمل درخصوص سبک زندگی زنان مورد مطالعه این است که در میان معرف‌های این سبک زندگی، برخلاف بسیاری از تحقیقات دیگر که استفاده از وسایل آرایشی، انجام و اهمیت عمل‌های زیبایی و... میزان بالایی را به خود اختصاص داده بودند، در جامعه مورد مطالعه در این تحقیق، بهداشت، تندرستی و سلامت جسم بیشترین اهمیت را داشته و استفاده از لنزهای زیبایی، استفاده زیاد از وسایل آرایشی، تزریق انواع بوتاکس‌ها و ژل‌ها و نیز جراحی‌های زیبایی کمترین میزان را نشان داده است.

- متغیر مستقل دیگر سرمایه اجتماعی بود که در این تحقیق جهت سنجش آن از سه مؤلفه مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی بهره گرفته شد که هر کدام نیز مشتمل بر معرف‌هایی خاص بودند. سرمایه اجتماعی زنان مورد مطالعه در سه سطح پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی شد که ۴۳٪ دارای سرمایه اجتماعی کم، ۲۹.۸٪ سرمایه متوسط و ۲۷.۲٪ سرمایه بالا بودند. نکاتی که درخصوص داده‌های به دست آمده در رابطه با سرمایه اجتماعی

می‌توان بیان نمود، اینکه از حیث مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی، میزان اعتماد اجتماعی زنان مورد مطالعه پایین و در بین زیرشاخص‌های آن اعتماد نهادی، نسبت به اعتماد عمومی و اعتماد بین‌فردی از میزان کمتری برخوردار بوده است که نشانگر این است نهادهای اجتماعی رسمی نتوانسته‌اند اعتماد مردم را به خود جلب نمایند و همچنان اعتماد به خانواده بالاترین میزان را بر اساس داده‌ها نشان داده است که می‌توان بیان نمود خانواده شهر مورد مطالعه (قزوین) با تمام چالش‌هایش، هنوز هم بستر اعتماد و همدلی را در بین اعضایش دارد. میزان انسجام اجتماعی به عنوان دیگر مؤلفه سرمایه اجتماعی در حد متوسط رو به بالا بوده که نشانگر این می‌باشد که حس همراهی و یکرنگی در بین زنان مورد مطالعه با جامعه، بالا بوده است و عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... نتوانسته‌اند شکاف قابل توجهی بین آنها و جامعه ایجاد نمایند. درخصوص مشارکت اجتماعی نیز، بطور کلی میزان این شاخص پایین بود، اما در بین زیرشاخص‌های آن مشارکت غیررسمی بالاتر از مشارکت رسمی بوده است و این به منزله این می‌باشد که هر جا افراد جامعه مورد نظر احساس حضور و حس درونی و میل به انجام یک عمل اجتماعی غیررسمی را داشته‌اند، حضور و همراهی بیشتری را نشان داده‌اند.

آزمون رابطه بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با دسترسی زنان به مطالبات اجتماعی

پیش از آزمون رابطه بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با دسترسی زنان به مطالبات اجتماعی، وضعیت داده‌ها از نظر نرمال بودن یا نبودن با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنف بررسی شد و نتایج نشان داد که سطح معنی‌داری همه متغیرهای مورد نظر بزرگتر از ۰.۰۵ است و بنابراین توزیع داده‌ها نرمال بوده و می‌توان از آزمون‌های پارامتری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی چندگانه استفاده کرد. در همین زمینه، نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که از یک طرف هم سرمایه اجتماعی و هم سبک زندگی، و از طرف دیگر تمامی مؤلفه‌های این دو متغیر مستقل با مطالبات اجتماعی زنان رابطه دارند (جدول ۲).

در ادامه به منظور آزمون تأثیر همزمان سرمایه اجتماعی و سبک زندگی بر مطالبات اجتماعی زنان، از تحلیل رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد که نتایج این تحلیل نشان داد که ۱۴.۵٪ از واریانس (تغییرات) میزان دسترسی زنان به مطالبات اجتماعی توسط سرمایه اجتماعی و سبک زندگی تبیین شده که در این بین، تأثیر سرمایه اجتماعی بر مطالبات اجتماعی زنان مستقیم و



تأثیر سبک زندگی بر آن به شکل معکوس می‌باشد، ضمن اینکه سرمایه اجتماعی بیش از سبک زندگی، روی مطالبات اجتماعی زنان مؤثر است (جدول ۳).

جدول ۲- آزمون رابطه بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با دسترسی زنان به مطالبات اجتماعی

متغیرهای مستقل	مؤلفه‌ها (خُرده‌مقیاس‌ها)	متغیر وابسته	r	p
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	مطالبات اجتماعی	۰.۳۴۷	۰.۰۰۱
	انسجام اجتماعی		-۰.۱۱۰	۰.۰۴۵
	مشارکت اجتماعی		۰.۲۶۵	۰.۰۰۱
	سرمایه اجتماعی (مقیاس کل)		۰.۳۲۱	۰.۰۰۱
سبک زندگی	فعالیت‌های فراغتی	مطالبات اجتماعی	-۰.۱۹۷	۰.۰۰۱
	مدیریت بدن		-۰.۱۱۷	۰.۰۲۲
	دینداری		۰.۲۳۱	۰.۰۰۱
	باورهای سنتی		۰.۲۹۱	۰.۰۰۱
	باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت		۰.۱۵۶	۰.۰۰۲
	سبک زندگی (مقیاس کل)		-۰.۲۷۲	۰.۰۰۱

جدول ۳- کیفیت تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی و سبک زندگی بر دسترسی زنان به مطالبات اجتماعی

متغیرها	B	SES	β	t	p
عدد ثابت	۸۴.۲۱۹	۱۰.۹۷۵	-	۷.۶۷۴	۰.۰۰۱
سرمایه اجتماعی	۰.۳۳۲	۰.۰۵۷	۰.۲۸۰	۵.۸۴۹	۰.۰۰۱
سبک زندگی	-۰.۱۵۱	۰.۰۳۳	-۰.۲۲۰	-۴.۵۸۰	۰.۰۰۱
	$R=۰.۳۸۷$	$R^2=۰.۱۵۰$	$R^2_{Adj}=۰.۱۴۵$	$F=۳۳.۷۱۳$	$p=۰.۰۰۱$

بر مبنای اطلاعات جدول (۴)، نتایج مربوط به نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در پیش‌بینی مطالبات اجتماعی زنان نشان داد که این مؤلفه‌ها قادرند ۱۵.۶٪ از تغییرات مطالبات اجتماعی زنان را تبیین کنند که در این بین، اثر اعتماد اجتماعی بیش از بقیه است و متغیرهای مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی در مراتب بعدی قرار دارند.

همچنین، در رابطه با مؤلفه‌های سبک زندگی بر مطالبات اجتماعی زنان، حدود ۱۰٪ از واریانس مطالبات اجتماعی زنان توسط مؤلفه‌های سبک زندگی تبیین می‌گردد که در بین مؤلفه‌های پنج‌گانه آن شامل میزان فعالیت‌های فراغتی، مدیریت بدن، دینداری، باورهای سنتی و باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت، سه مؤلفه «میزان فعالیت‌های فراغتی، دینداری و باورهای سنتی» از عوامل موثر بر مطالبات اجتماعی زنان می‌باشند که از بین این متغیرها، بیشترین تأثیرگذاری مربوط به باورهای سنتی، فعالیت‌های فراغتی و دینداری بوده است. شاید بتوان گفت که باورهای سنتی و دینداری به دلیل به همراه داشتن عقاید صبورانه و حلم و بردباری، میزان رضایت افراد را از داشته‌ها افزایش می‌دهد و مسائل معنوی نسبت به مطالبات اجتماعی پُررنگ‌تر می‌شوند.

جدول ۴- کیفیت تأثیرگذاری مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و سبک زندگی بر دسترسی زنان به مطالبات اجتماعی

متغیرها	مؤلفه‌ها	B	SES	β	t	p
	عدد ثابت	۶۱.۴۳۵	۸.۳۳۸	-	۷.۳۶۸	۰.۰۰۱
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	۰.۶۱۶	۰.۰۹۵	۰.۳۲۳	۶.۴۶۴	۰.۰۰۱
اجتماعی	انسجام اجتماعی	-۰.۳۰۳	۰.۱۴۳	-۰.۱۰۲	-۲.۱۲۰	۰.۰۳۵
	مشارکت اجتماعی	۰.۴۶۲	۰.۱۲۸	۰.۱۷۶	۳.۶۱۸	۰.۰۰۱
		$R^2=۰.۱۶۲$	$R^2_{Adj}=۰.۱۵۶$	$F=۲۴.۶۸۵$	$p=۰.۰۰۱$	
	عدد ثابت	۱۰۱.۵۷۴	۱۰.۰۲۶	-	۱۰.۱۳۱	۰.۰۰۱
سبک زندگی	میزان فعالیت‌های فراغتی	-۰.۴۲۰	۰.۱۹۷	-۰.۱۸۰	-۲.۱۲۷	۰.۰۳۴
	دینداری	۰.۳۳۵	۰.۱۴۱	۰.۱۲۷	۲.۳۷۹	۰.۰۱۸
	باورهای سنتی	۰.۸۷۱	۰.۲۳۱	۰.۲۳۴	۳.۷۷۴	۰.۰۰۱
		$R^2=۰.۱۱۴$	$R^2_{Adj}=۰.۱۰۳$	$F=۹.۷۹۵$	$p=۰.۰۰۱$	

بحث و نتیجه‌گیری

درخصوص مطالبات اجتماعی زنان می‌توان بیان نمود که طیف وسیعی از مطالبات که بنا به دلایل مختلف پاسخ داده نشده و در بسیاری از کشورها به عنوان حقوق اولیه زنان می‌باشند، هنوز در جامعه نادیده گرفته شده و تا حدود زیادی اکثریت زنان را درگیر تنگنای فقدان آنها نموده



است. بی‌شک روبه‌رو بودن با خیل وسیعی از افراد جامعه که نیازهای پاسخ داده‌نشده در زمینه‌های مختلفی را دارند، به معنای روبه‌رویی با انسان‌های ناراضی از شرایط و مناسبات حاکم بر جامعه می‌باشد که موجب کمرنگی تمایل آنها به حضور مثبت و باانگیزه در جامعه منجر خواهد شد. به قول مارشال، بهره‌مندی از حقوق به معنای کسب منزلت اجتماعی و پایگاه است که دست‌یافتن به آنها امکان برخورداری از حقوق اجتماعی و قدرت را امکان‌پذیر می‌نماید (ملک، ۱۳۸۸: ۱۰۸). براساس دیدگاه بوردیو، دیگر طبقه اجتماعی به‌تنهایی نمی‌تواند سبک زندگی و تمنیات انسان‌ها را تداعی‌گر باشد و سلسله‌ای از عوامل مختلف تبیین‌گر می‌باشند که عملاً در این تحقیق هم شاهد آن بوده‌ایم. به بیان دیگر، در جامعه مورد مطالعه شاهد آن بوده‌ایم که فرایندهای فراگیر اجتماعی و رای تحصیلات، درآمد، مکان و نوع مسکن و... عمل می‌نمایند و نفوذ آنها به نحوی بوده است که زنان در اقشار مختلف با توجه به دسترسی به منابع اطلاعاتی مختلف، قدرت درک و بازاندیشی و لزوم حفظ انسجام و هم‌نویی با دیگر زنان را احساس نموده‌اند. احساس همدلی، هم‌نویی و نزدیکی در بین جامعه زنان از جلوه‌های ارزشمند و مؤثر جامعه مدرن می‌باشد، به بیان معنا که زنان دیگر در انزوای اجتماعی بسر نمی‌برند و دغدغه‌های آنها از حوزه خانواده و خود فراتر می‌رود و بهبود وضعیت دیگر زنان و برآورده شدن مطالبات آنها را بی‌تأثیر بر شرایط خود نمی‌دانند.

به عبارتی، مطالبات اجتماعی زنان جامعه مورد مطالعه از میزان سرمایه اجتماعی و نوع سبک زندگی تأثیر پذیرفته‌اند و هر کدام از متغیرهای مستقل و شاخص‌های زیرمجموعه آنان قدرت تبیین‌کنندگی خود را اثبات نموده‌اند. تأثیر متغیر سرمایه اجتماعی بر مطالبات اجتماعی زنان مستقیم و تأثیر سبک زندگی بر مطالبات اجتماعی زنان معکوس می‌باشد، یعنی با افزایش میزان سرمایه اجتماعی، میزان بهره‌مندی از مطالبات اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و در واقع در همین جا تأثیر مثبت و تسهیل‌کنندگی سرمایه اجتماعی را در میزان بهره‌مندی از مطالبات اجتماعی نظاره نمود. یعنی سرمایه اجتماعی به دلیل تأثیر بر نوع و میزان روابط و شبکه‌ها و افزایش امکان برخورداری از حمایت افراد و گروه‌ها و به تبع آن امکان دسترسی به منابع، میزان بهره‌مندی از منابع را نیز افزایش داده است. به تعبیر بوردیو، سرمایه اجتماعی محصول نوعی سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت یا بازتولید آنگونه روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه‌مدت یا بلندمدت قابل استفاده هستند (شارع‌پور، ۱۳۸۱: ۱۱). در واقع

از طریق شبکه اتصالاتی که از طریق سرمایه اجتماعی فراهم می‌گردد و نیز چگالی و دوام این شبکه‌ها، روابط اجتماعی تولید و بازتولید می‌گردند و فرصت‌هایی را برای افراد فراهم می‌نماید که حتی ممکن است موجب به کسب اعتماد یک گروه دیگر گردد و در کسب موقعیت‌ها و جایگاه‌های مهم اجتماعی مثرثمر باشد. از سوی دیگر، به هر میزان سبک زندگی به سبک زندگی مدرن نزدیک‌تر بوده است، میزان بهره‌مندی و رضایت از مطالبات اجتماعی کاهش یافته است. می‌توان بیان نمود که سبک زندگی مدرن به دلیل دربرداشتن دسترسی بیشتر به رسانه‌های مختلف، سطح اطلاعات و مطالبه‌گری زنان را افزایش داده است و هرچه این سطح افزایش یابد، انتظار آنان از میزان برخورداری و رضایت افزایش می‌یابد و در نتیجه، میزان بهره‌مندی خود را پایین ارزیابی نموده‌اند، باید به کنشگران اجتماعی به عنوان سرمایه‌هایی نگریسته شود که سلامت، دوام و ماندگاری جامعه در گرو رشد و تعالی آنهاست. شکل‌گیری انسان مطالبه‌گر، یعنی انسان آگاه به حقوق خود یعنی انسانی که با بی‌تفاوتی در عرصه‌های مختلف اجتماع حضور ندارد، بلکه شهروندی فعال را تجربه می‌نماید که در ضمن انجام تعهدات خود در قبال جامعه، به انواع حقوق خود آشنا می‌باشد و از شیوه‌های مدنی آنها را در خواست می‌نماید، این امر بویژه در حوزه زنان به دلیل تأثیرگذاری ژرف زنان بر دیگر اعضای خانواده از ارزش بسیاری برخوردار است.



منابع فارسی

۱. اسکندری، سعید (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی در بین محلات شهر ارسنجان (رساله دکتری منتشر نشده). دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
۲. بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۵). تمایز (ترجمه حسن چاوشیان). چاپ چهارم، تهران: نشر ثالث.
۳. چایلدرز، پیتر (۱۳۸۲). مدرنیسم (ترجمه رضا رضایی). چاپ چهارم، تهران: انتشارات مروارید.
۴. خواجه نوری، بیژن، روحانی علی و هاشمی سمیه (۱۳۸۹). رابطه سبک زندگی و تصور بدن. فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، ۴(۱): ۷۹-۱۰۳.
۵. ذکایی، محمد سعید و فرزانه، حمید (۱۳۸۸). زنان و فرهنگ بدن: زمینه‌های انتخاب جراحی‌های زیبایی در زنان تهرانی. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۴(۱۱): ۶۵-۴۵.
۶. رضایی، احمد، محمدزاده، حمیده، محمدزاده فاطمه و رضایی، حسین (۱۳۹۴). سبک زندگی و مدیریت بدن. فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، ۱(۲): ۱-۵۰.
۷. ریاحی، محمد اسماعیل و فعال لسبو محله، زهرا (۱۳۹۳). بررسی تئوریک و تجربی نقش سرمایه اجتماعی بر سلامت جسمی و روانی. دومین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران، موسسه اطلاع‌رسانی نارکیش.
۸. سرمد، زهره و بازرگان هرندی، عباس (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه.
۹. سیدمن، استیون (۱۳۹۵). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی (ترجمه هادی جلیلی). چاپ ششم، تهران: نشر نی.
۱۰. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی و اقتصادی. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، ۹(۲): ۱۶-۱۰.
۱۱. شارع‌پور، محمود و خوشفر، غلامرضا (۱۳۸۱). رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان. مجله مطالعات جامعه‌شناختی، ۲۰: ۱۴۸-۱۳۳.
۱۲. عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۰). تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین. نامه علوم اجتماعی، ۱۸(۱۸): ۱۶۷-۲۰۰.
۱۳. علیزاده، محمدعلی و باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۵). بررسی مطالبات اجتماعی زنان در جراید عصر مشروطه. فصلنامه زن و جامعه، ۷(۱): ۲۱۸-۲۰۱.
۱۴. فاتحی، ابوالقاسم و اخلاصی، ابراهیم (۱۳۸۷). مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن: مطالعه موردی زنان شهر شیراز. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۱(۴۱): ۹-۴۲.
۱۵. فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: انتشارات صبح صادق.
۱۶. فرجی، مهدی و حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷). سبک زندگی و پوشش زنان در تهران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱(۱): ۶۵-۹۲.
۱۷. کیوان‌آرا، محمود، حقیقتیان، منصور و کاوه‌زاده، عادل (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی موثر در شکل‌گیری تصویر بدن. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳(۴): ۶۶-۵۳.
۱۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). فراسوی چپ و راست (ترجمه محسن ثلاثی). تهران: انتشارات علمی.

۱۹. متقی، ابراهیم و روشنایی، علی (۱۳۹۰). نقش دولت در توسعه و تحدید گفتمان‌های مطالبات مدنی معاصر زنان ایران. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۴(۱): ۳۹-۲۵.
۲۰. مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور (۱۳۹۴). *سنجش سرمایه اجتماعی کشور*. گزارش پژوهشی کشوری.
۲۱. موحد، مجید و حسینی، مریم (۱۳۹۱). مطالعه عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با مدیریت چهره در میان دختران جوان. *جامعه‌شناسی زنان*، ۳(۲): ۲۷-۱۷.
۲۲. نصری، لادن (۱۳۹۴). مطالعه و بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر روی امنیت در مناطق مرزی استان کردستان (رساله دکتری جامعه‌شناسی منتشر نشده). دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
۲۳. نیازی، محسن و کارکنان نصرآبادی، محمد (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۸(۳۱): ۵۵-۸۰.

منابع انگلیسی

1. Alizadeh, M. A., & Baqdar Delgosha, A. (2016). A survey on women's social demands in the constitutional era. *Journal of Woman and Society*, 7(1): 201-218 (Text in Persian).
2. Ameli, S. R. (2001). Interaction of Globalization, Citizenship and Religion. *Journal of Social Science*, 18(18): 168-200 (Text in Persian).
3. Bourdieu, P. (1977). *Cultural Reproduction and Social Reproduction*. In J. Kaarabel & A. H. Halsey (Eds.), *Power and Ideology in Education* (487-511). New York: Oxford University Press.
4. Bourdiu, P. (2016). *Distinction* (H. Kavosian, Trans.). Tehran: Nashre Sales Press (Text in Persian).
5. Eskandari, S. (2013). *A Comparative Study of Social Capital and Social Identity among the Townships of Arsanjan* (Unpublished doctoral dissertation). Azad University of Tehran, Markaz Branch, Faculty of Social Sciences, Tehran, (Text in Persian).
6. Faraji, M., & Hamidi, N. (2008). Lifestyle and Women's Coverage in Tehran. *Iranian Journal of Cultural Research*, 1(1): 65-92 (Text in Persian).
7. Fazeli, M. (2003). *Consumption and lifestyle*. Qom: Sobh-e Sadeq Press (Text in Persian).
8. Gidenz, A. (2003). *Beyond Left and Right* (M. Salāsi, Trans.). Tehran: Elmi Press (Text in Persian).
9. Kayldz, P. (2003). *Modernism* (R. Rezayi, Trans.). Tehran: Morvarid Press (Text in Persian).
10. Kristenson, M., Kucinskiene, Z., Bergdahl, B. & OrethGomer, K. (1998). *Risk factors for ischaemic heart disease in different socioeconomic groups of Lithuania and Sweden: the livicordia study* (Unpublished dissertation). Livivcordiastudy, Linkoping University, Sweden.
11. McKenzie, K., & Harpham, T. (2006). *Social capital and mental health*: Jessica Kingsley Pub.
12. Motaqi, E., & Rosanayi, A. (2011). The role of the state in the development and limitation of the contemporary women's civil rights demands discourses in Iran. *Journal of Social Development Studies of Iran*, 4(1): 25-39 (Text in Persian).



13. Movahed, M., & Hoseini, M. (2012). Study of Social and Cultural Factors Related to Face Management among Young Girls. *Journal of Women Sociology*, 3(2): 17-27 (Text in Persian).
14. Nasri, L. (2015). Study and Impact of Social Capital Dimension on Security in the Border Areas of Kurdistan Province (Unpublished doctoral dissertation). Azad University of Tehran, Markazi Branch, Faculty of Social Sciences, Tehran, (Text in Persian).
15. Niyazi, M., & Karkonān Nasrabadi, M. (2007). Sociological Explanation of the Relationship of Family Cultural Capital with Youth Social Identity. *Journal of National Studies*, 8(31), 55-80 (Text in Persian).
16. Putnam, R. D. (1992). The Prosperous community: Social capital and public life. *The American Prospect*, 4(13): 11-18.
17. Putnam, R. D. (1996). *Who Killed Civic American?.* *The American Prospect*, 4(24): 66, 7-72.
18. Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: the collapse and revival of American community.* New York: Simon and Schuster.
19. Rezayi, A., & Mohamadzadeh, H., & Mohamadzadeh, F., & Rezayi, H. (2015). Lifestyle and Body Management. *Journal of Lifestyle Sociology*, 1(2): 1-50 (Text in Persian).
20. Sarmad, Z., & Bāzargān Harandi, A. (2016). *Research Methods in Behavioral Sciences.* Tehran: Agah Press (Text in Persian).
21. Sharepour, M. (2005). Social Capital and Its Role in Social and Economic Life. *Journal of Social Science Education*, 9(2): 10-16(Text in Persian).
22. Sharepour, M., & Xosfar, Q. (2002). The Relationship of Cultural Capital with the Social Identity of Youth. *Journal of Sociological Studies*, 20: 133-148(Text in Persian).



Social Demands of Women and the Relation of Lifestyle and Social Capital (A Case Study of Women in Qazvin City)

Beida Mirhosseini¹ Hossein Aghajani² Karam Habibpour Gatabi³

Abstract

Implications of the current Iranian society requires informed, active, and hardworking women who with their presence in various arenas can become eligible petitioners to claim their rights and actively display citizenship with knowledge, rational commitment, civil behavior, participation, and sense of national belonging and identity. Meanwhile, factors such as social capital and lifestyle can influence the nature and type of social demands of women, and recognition of this relationship is significant both in theory and practice. According to this necessity, the present study reviewed the social demands of women within three economic, legal and cultural approaches by conducting surveys among 386 women aged 20-55 in Qazvin city. The findings showed that the level of social capital among the studied women is low and the dominant lifestyle among them is modern. Meanwhile, demands within the economic approach were most prevalent and demands within the legal approach were the least prevalent among women. While social capital is more influential on women's social demands than lifestyle, these two variables have been able to explain 14.5% of the variance of women's social demands.

Key words: social demands, demanding, citizenship, lifestyle, social capital

¹. Doctoral Candidate, Cultural Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch/
studentsociology2015@gmail.com

². Associate Professor, Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran
Branch/a_marsa1333@yahoo.com

³. Assistant Professor, Sociology, Kharazmi University/kamhabibpour@yahoo.com

Submit Date: 2017/8/28

Accept Date: 2017/11/13

DOI: 10.22051/jwfs.2017.16985.1541